

قصیده «ارادة الحیاء» ابوالقاسم شابی و چگونگی تاثیر آن بر انقلاب مردمی تونس در سال ۲۰۱۱

مجله علمی پژوهش در مدیریت و مطالعات اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۵ / بهار ۱۳۹۸ / ص ۶۴-۵۵

حسن آرایش^۱، احمد قاسمی^۲، سید مسعود حاصلی مفرد^۳

^۱ دانشجوی دکتری مسائل ایران دانشگاه شیراز

^۲ کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه خوارزمی تهران

^۳ کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران

نویسنده مسئول:

حسن آرایش

چکیده

خیزش‌های مردمی جهان عرب که به بهار عربی یا بیداری اسلامی مشهور گشت، در تونس جرقه خورد و شعله‌های آن دامن دیگر کشورهای عرب را نیز فرا گرفت. در خیزش‌های مردمی که در کشور تونس شکل گرفت عوامل متعددی تأثیر گذار بوده‌اند که یکی از آنها شعر شاعران و استقبال مردم از آن‌ها می‌باشد. همواره و همچنان شعر، بیانگر درون ملت‌ها بوده و می‌باشد که آینده را به تصویر می‌کشد و ماهیت شعر در پیشگویی از زمان آینده تاریخی نمایان‌گر می‌شود. در این میان می‌توان به قصیده مشهور «ارادة الحیاء» سروده شاعر حماسه‌ساز و انقلابی تونس ابوالقاسم شابی اشاره نمود. این شعر سرشار از مضامین حماسی و انقلابی می‌باشد و به جرات می‌توان گفت که درون هر خواننده‌ای را به جوشش و غلیان در می‌آورد. شعر «ارادة الحیاء» در لحظه لحظه‌های انقلاب یار و همدم مردم حماسه‌جوی تونس بود. آن‌ها را بر سر شور می‌آورد و در افق‌های اندیشه آنان پیروزی را با تمام زیبایی‌هایش ترسیم می‌نمود. اینک ما در این مقاله برآنیم تا ضمن تحلیل و بررسی مضامین سیاسی- انقلابی شعر «ارادة الحیاء»، میزان و نحوه تأثیرگذاری آن را بر شکل‌گیری و رشد و تسریع انقلاب تونس بررسی نماییم.

واژگان کلیدی: خیزش‌های مردمی، عوامل موثر در انقلاب، انقلاب تونس، قصیده ارادة الحیاء، ابوالقاسم شابی

مقدمه

ادبیات آینده‌ی تمام‌نمای زندگی اجتماعی، روحیات و احساسات مردم روزگار و اوضاع حاکم بر احوال آنان است و از جمله حوزه‌هایی است که نظم اجتماعی در آن منعکس می‌شود. انسان هنرمند می‌کوشد از وضع جامعه و رویدادهای پیرامون خود تأثیر پذیرد و بازتاب تأثرات خود را در اثر هنری خویش بازگو نماید.

شعر، همان طور که از معنای آن برمی‌آید، در ساده‌ترین تعریف‌ها، بیان احساسات درونی است. در ابتدایی‌ترین نوع نقدها که در دوره‌های نخست رایج بوده است، بهترین شعرها تأثیرگذارترین آن‌ها می‌باشند. بنابراین بهترین شعر بیانگر احساساتی است که می‌تواند احساساتی چون عشق، محبت، خشم، کینه و ... را در دیگران برانگیزاند.

زندگی ما سرشار از احساسات می‌باشد. یکی از عرصه‌های تبلور احساسات آدمی، انقلاب‌ها می‌باشند. از دیر باز تاکنون همواره ادبیات به ویژه شعر بر انقلاب‌ها پیشی داشته‌اند. شعرها بوده‌اند که خشم مردم را علیه جور و ستم برمی‌انگیختند و آن‌ها را به قیام و شورش دعوت می‌کردند. لذا همیشه شعر و ادبیات مورد توجه حاکمان تیزبین و دور اندیش بوده است. آنان، یا شاعران را جذب خود می‌کردند و از اشعار آن‌ها جهت بقا و مشروعیت حکومت خویش استفاده می‌بردند و یا در صورت سرکشی، با توسل به هر وسیله‌ای دهان آن‌ها را می‌بستند. در این مقاله سعی شده است انقلاب تونس به عنوان یکی از انقلاب‌های معاصر که رخدادهای آن بسیار عینی و مشهود است بررسی شود تا مشخص شود که چگونه و به چه میزان شعر شاعران در شکل‌گیری و تسریع روند آن تأثیرگذار بوده است.

اوضاع سیاسی تونس

وقوع انقلاب فراگیر مردمی که نظام مستحکم و مسلح به نیروهای امنیتی و نظامی نیرومندی چون نظام زین‌العابدین بن علی در تونس را به زیر می‌کشد، به سادگی نشان دهنده عدم مقبولیت گسترده نظام و در نتیجه فقدان کامل مشروعیت آن می‌باشد. انقلاب تونس همچون سایر انقلاب‌های مردمی نشان دهنده به حداقل رسیدن مشروعیت نظام حاکم بود؛ انقلاب تونس در شرایطی رخ داد که وضعیت نامناسب اقتصادی و فقدان آزادی‌های سیاسی و مدنی، سطح بالای فساد در ساختار سیاسی تونس، و ایجاد رانت‌ها و انحصارهای ویژه برای گروهی از وابستگان حکومتی وقوع آن را قابل پیش‌بینی می‌کرد.

نظامی که بن‌علی بر پا کرد، رئیس جمهور را در مقام دیکتاتوری قرار می‌داد که فصل‌الخطاب تمامی مسائل کشور بود. در این نظام رئیس جمهور کابینه، نخست‌وزیر، حاکمان مناطق و رئیس سازمان رسمی نظارت بر انتخابات را تعیین می‌کرد. افزون بر این، در آخرین اصلاحات قانون اساسی که در سال ۲۰۰۲ به referendum گذاشته شد، محدودیت سه دوره‌ای نامزدی برای ریاست جمهوری لغو شد و حداکثر سن نامزدهای ریاست جمهوری از ۷۰ سال به ۷۵ سال افزایش یافت (احمدیان، ۱۳۹۰).

کشور تونس پس از استقلال خود در ۵۴ سال گذشته، تنها دو رئیس جمهور را به خود دیده است. این خود گواه روشنی بر ماهیت استبدادی نظام حاکم بر این کشور در سال‌های اخیر است. فراهم نکردن بستر لازم برای نقد و اعتراض به عملکرد نهادهای حکومتی باعث شد که تمامی مطالبات در این جامعه بر روی هم انباشته شود و وقتی مجالی برای طرح آن پیدا شد، همه آن‌ها یکجا تسویه شود. تونس طی سالهای اخیر به ظاهر به عنوان یکی از باثبات ترین کشورهای عربی و آفریقایی شناخته می‌شد. این کشور در مقایسه با کشورهای هم‌سطح خود از رشد اقتصادی نسبتاً بالایی برخوردار بوده و تا این اواخر از سوی برخی به عنوان الگوی موفق از توسعه‌ی اقتصادی وثبات در میان کشورهای عربی و آفریقایی شناخته می‌شد. از همین رو کمتر کسی فکر می‌کرد که تونس دچار چنین وضعیتی شود. در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰، جوانی به نام محمد بوعزیزی در شهر دور افتاده سیدی بوزید (۲۷۰ کیلومتری جنوب غرب پایتخت)، در اعتراض به مصادره گاری و سبزیجاتی که تنها منبع درآمدش بود، در ملأ عام دست به خودسوزی زد. خودسوزی وی به مثابه جرقه‌ای بود که آتش به بنیان دیکتاتوری بن‌علی زد. از همان روز، تظاهرات در این شهر حاشیه‌ای آغاز شد و به تدریج به سایر شهرها و در نهایت به پایتخت رسید (همان).

در ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱، بن‌علی در یک سخنرانی خطاب به مردم تونس سعی کرد با دادن وعده‌هایی خشم ملت را فرو بنشانند اما این سیاست جدید که آشکارا از ضعف و ناتوانی نظام بن‌علی ناشی می‌شد، نه تنها مردم تونس را آرام نکرد بلکه نشانه‌ای مبنی بر ناتوانی رژیم و پیروزی قریب‌الوقوع اعتراضات داد. در نتیجه، در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱، اعتراضات با شدت بیشتری ادامه یافت و بن‌علی مجبور شد پس از ۲۳ سال حکمرانی، از تونس بگریزد. اگرچه عامل اقتصادی نقش آغازگر اعتراضات مردمی را بازی کرد ولی با گسترش اعتراضات، مخالفت با دیکتاتوری و مطرح ساختن مطالبات سیاسی، در صحنه مطرح شد و سرانجام ملت تونس پس از فرار دیکتاتور سرود «ارادة الحياة» شاعر ملی خود ابوالقاسم الشابی را که ترجمان مبارزات همه آزادگان جهان است در فضائی آزاد سر دادند (هانی زاده، ۱۳۸۹).

زندگی شابی

ابوالقاسم شابی در فوریه ۱۹۰۹ در روستای «شابی» از توابع «توزر» واقع در جنوب تونس به دنیا آمد. پدرش به شغل قضاوت اشتغال داشت و همواره از شهری به شهر دیگر در تردد بود. شابی نیز ناگزیر به همراه خانواده‌اش در آمد و شد بود (ماردینی، ۱۹۸۲: ۲۵-۲۴؛ سیاله، ۱۳۵۳: ۱۸-۲۸؛ ولایتی، ۱۳۷۷: ۱؛ طملیه، ۱۹۷۴: ۲۲).

به خاطر نقل و انتقال‌های دائمی شابی نتوانست در یک مدرسه معین مستقر شود. بنابراین مسئولیت تعلیم او را پدر و مادرش در منزل به عهده گرفتند تا شابی در ۵ سالگی به مکتب‌خانه‌ای در شهر «قابس» فرستاده شد. در سن ۱۲ سالگی پدرش او را به دانشگاه «الزیتونه» در پایتخت فرستاد. او یادگیری قرآن و عربی را در آن جا تکمیل کرد. شابی به علوم ادبی، فقه، لغت و شریعت که در آن دانشگاه تدریس می‌شد تمایلی نداشت، زیرا او را از رشد فرهنگی وسیع عربی منع می‌کرد. او به وسیله مطالعات فراوان و فعالیت‌های فرهنگی، آن چه را که از میراث قدیم عربی می‌دانست، با افکار ادبی نوین درهم آمیخت و به وسیله نهضت ادبی که در مصر، لبنان، عراق، سوریه و مهجر رخ داده بود و همچنین آداب غربی که به عربی ترجمه شده بود (بخصوص رمانتیک فرانسه) آن را تقویت کرد. با توجه به تمایل خاصی که شاعر به ادب عربی که در آمریکا به دست مهاجرین عرب رشد کرده بود داشت، توانست با تأثیرپذیری فراوان از آنها در سن پانزده سالگی، نبوغ شعری خویش را آشکار نماید (ماردینی، ۱۹۸۲: ۲۵-۲۴؛ سیاله، ۱۳۵۳: ۲۸-۱۸؛ طملیه، ۱۹۷۴: ۲۲-۲۸).

شابی در دوره کوتاه زندگی‌اش با مشکلات فراوانی روبرو بود، از یک طرف او جوانی مریض بود که ناراحتی قلبی هر چند وقت یک بار آزارش می‌داد. پزشکان هم او را از هر گونه تحرک جسمی و فکری منع کرده بودند، این امر به همراه مرگ پدر و ناکام ماندن شابی در عشق اولش نسبت به دختری که قضا و قدر الهی او را به دار فانی برد، هم ضربه ای دیگر بود که نظام زندگانی شابی را بیش از پیش لرزاند. اما با این همه، شابی تحصیلش را در دانشکده‌ی حقوق به پایان رسانید و در سال ۱۹۳۰ در رشته حقوق از دانشگاه تونس فارغ التحصیل شد. هنگامی که بیماری‌اش مزمن شد و او را بیش از حد ضعیف گردانید برای معالجه به ایتالیا رفت. اما در سال ۱۹۳۴ در حالی که ۲۵ سال بیشتر نداشت دار فانی را وداع گفت و در شابیة توزر مدفون شد (ماردینی، ۱۹۸۲: ۲۵-۲۴؛ سیاله، ۱۳۵۳: ۲۸-۱۸؛ طملیه، ۱۹۷۴: ۲۸-۲۴).

افکار انقلابی شابی

شابی از شعرای انقلابی و متعهد بود که در راه اصلاح افکار مردم و بیدارسازی آن‌ها گام برداشت. این شاعر آزادی‌خواه علیه جور حاکم زمانه خود قیام کرد و به قیام علیه ستم متعهد شد و به علت خفقان‌های موجود در سرزمین تونس زبان رمز و کنایه را برگزید تا آن جا که «ظلم و تاریکی» در قصاید شابی نماد استعمار فرانسه گشت. شابی سعی کرد گوهر نایاب عشق الهی را در هموطنان خویش بیوراند تا با توکل به خدا و کسب اراده از دست رفته، بر روح صوفیانه خشک حاکم بر زمان خود غلبه کنند و علیه استعمار به پا خیزند (ممتحن و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۵۳).

شابی که در خانواده‌ای دینی تربیت یافته بود، نتوانست در مقابل تجاوز فرانسویان ساکت بنشیند. از این رو اشعار زیبایی را در تشویق مردم برای مبارزه با سیاست‌های استعماری سرود که برخی از این اشعار در همه کشورهای عربی و اسلامی مشهور شد (ولایتی، ۱۳۷۷: ۲). اولین انگیزه سیاسی شابی، ظلم ستیزی و اصلاح طلبی بود. دومین انگیزه‌ی شابی در قصاید سیاسی، مبارزه با یأس و نابودی و بیان آزادی و ایجاد روح وحدت است. انگیزه‌های شابی در گروهی عشق به زندگی و اراده است (ضیف، بی تا: ۱۵۰؛ ممتحن و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۱-۶۰). محور اصلی سروده‌های سیاسی شابی، بیداری هموطنانش می باشد و این بیداری، زاییده تلاش و تکاپوی آنان است. شابی به اصل «اراده و خود» در اشعار و قصایدی که به بیداری ملت منجر می‌شود، بسیار تأکید می‌کند (جیوسی، ۲۰۰۱: ۴۴۵-۴۳۹).

مسئله دیگری که شابی به آن توجه دارد، این است که ملت‌های ضعیف، تن به ذلت و خواری ندهند؛ زیرا این امر به یاس و ناامیدی منجر می‌شود و آن‌ها شبیه مردگانی می‌شوند که هنوز زمان مرگ آنان فرا نرسیده است اما به مرگ معنوی مبتلا هستند (طنوس، ۲۰۰۱: ۱۶۷). وی از دو بیماری جسمی و استعمار رنج می‌برد، او در برابر بیماری جسمی اش تسلیم گشت، اما در برابر بیماری استعمار تن به ذلت نداد. به عنوان مثال در شعرهای او به وضوح می‌توان واژه‌هایی همچون: اراده، تحرک، پویایی، امید، روشنی و عشق را یافت. این واژه‌ها عبارتند از: إرادة الحیة (طلب زندگی)، نشید الجبار (سرود مرد قدرتمند)، آیها الحب (ای عشق)، صوت من السماء (ندایی از آسمان)، تونس الجميلة (تونس زیبا)، السعادة (خوشبختی)، الصباح الجديد (صبح تازه)، ... (شراره، ۱۹۶۵: ۵؛ سیدی، ۱۳۸۵: ۹۸).

قصیده اراده الحیة از جمله اشعار کلاسیک شابی به شمار می‌رود، شامل شصت و پنج بیت می‌باشد و در زمره اشعار سیاسی - اجتماعی شاعر جای دارد. این قصیده در بحر متقارب سروده شده است، و از ویژگی‌های بحر متقارب خبری بودن آن است. لذا این وزن در شعرهای حماسی بسیار پر کاربرد است و همانطور که می‌دانیم فردوسی، شاعر بزرگ و پرآوازه ایرانی نیز شاهنامه خود را بر این وزن سروده است. این ضرب آهنگ‌ها به شاعر کمک می‌کند تا روح مخاطب خویش را به حرکت و جوش و خروش درآورد.

هنگامی که شابی قصیده «إرادة الحياة» (إرادة الشعب) را سرود، در شرق زبانزد همگان گشت و حتی مورد حسادت شاعران دیگر نیز قرار گرفت. در حقیقت شابی با اشعارش ملت را به آزادی و آزادی دعوت می‌کرد و می‌خواست به آنان بفهماند که همه موجودات آزاد خلق شده‌اند و خداوند به آنان اراده‌ای بخشیده تا در زندگی دنیوی از آن بهره گیرند و با آن راه حقیقت را ببینند. قصد شابی این بود که مردم را به تحرکی درونی و بیرونی وا دارد و به آنان بیاموزد که هر چیزی با تلاش به دست می‌آید و باید برخاست و علیه ظلمی که بر آنان می‌شود قیام کرد، خودشان را موجود آزادی بدانند که جز به ذات یکتای الهی برای احدی گردن نهند (قمری، ۱۳۷۹: ۴۵).

شابی در جنبه‌های سیاسی قصاید خود، بر اصل اراده بسیار تأکید دارد و معتقد است که هموطنان خود با نیروی اراده و بازیافتن هویت گم‌شده خود می‌توانند در برابر استعمار ایستادگی کنند و تن به ذلت و خواری ندهند و عامل موثر در اراده و توجه به خود را در جاودانگی و عشق به ذات الهی می‌داند (فرهود، ۱۹۹۸: ۱۲).

شابی محور اصلی میهن‌سرایي خود را بر اساس «اراده» قرار داده است و این که سرنوشت هر ملتی به دست خودش است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» (رعد/۱)؛ و این اراده و خودی که در سروده‌های سیاسی خود از آن سخن می‌گوید، در راه میهن با عشق به جوهر، پاک است و جنبه مادی میهن که سراپا خاک است، اهمیت ندارد بلکه جنبه‌ی معنوی آن دارای اهمیت است (ساکت، ۱۳۸۵: ۱۶۰؛ حمدوالقدس، بی‌تا: ۹).

شابی در میهن‌سرایي خود، تنها به یک مشت خاک توجه نمی‌کند، بلکه معتقد است باید سرزمینی مستقل از نیروی استعمار داشته باشد تا هموطنانش در آن سرزمین بتوانند در راه خیر و سعادت قدم بگذارند (ممتحن و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۵۸).

شابی در فلسفه سیاسی خود تلاش می‌کند بر روح صوفیانه‌ی خشک حاکم بر هموطنان خود که از سوی استعمار رواج پیدا کرده بود، غلبه کند و آن‌ها را به بیداری فراخواند تا از این راه بتواند علیه ظلم حاکم قیام کنند. این شاعر انقلابی گاهی به مرگ توجه می‌کند و این برگرفته از دیدگاه جاودانگی آن‌ها است و این جاودانگی تنها با عشق به ذات الهی حاصل می‌شود (خورشا، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

شابی درک کرد که قیام ملی برپا نمی‌شود مگر با خارج شدن از ظلمت و نادانی. وی همچنین بیان می‌کند که زندگی کردن و بزرگواری، حق هر انسان آزاده‌ای است و اگر مردم تسلیم شوند و از ظلم و طغیان پیروی کنند گروهی پایدار می‌شوند و شر و بدی بر آن‌ها حاکم می‌شود و مردم در ظلمت باقی خواهند ماند و به تعصب‌های بیهوده مشغول می‌شوند و از روش‌ها و مذهب‌های بزرگواری دور خواهند شد. در واقع شابی با سرودن این گونه اشعار، هم رنج و درد خود را و هم اجتماع رنج کشیده‌اش را بیان کرد و آن را سلاحی آتشین در برابر استعمار قرار داد (قمری، ۱۳۷۹: ۴۵).

با این که در زندگی شخصی شابی عواملی چون ناکامی در ازدواج، مرگ معشوقه، ازدواج اجباری، مرگ پدر، بیماری او، انحطاط اجتماعی در تونس و ... وجود داشت که او را به اندوه شدید و تاثیر گذار سوق می‌داد ولی هیچ یک وی را ناامید نساخت، بلکه در اشعاری چون «إرادة الحياة»، «الصباح الجديد»، «أغاني الحياة» از امید، شور و شوق به زندگی سخن می‌گوید (سیدی، ۱۳۸۵: ۹۹). هستی به اعتقاد او زنده است و مردگان را خوار و بی مقدار می‌شمرد:

هُوَ الْكُونُ حَتَّى يُجِبَّ الْحَيَاةَ وَ يَحْتَقِرَ الْمَيِّتَ مَهْمَا كَبُرَ

(شابی، ۱۹۹۴: ۷۶)

شابی شاعر اجتماع یکی از بهترین مردان با عاطفه است. از مهمترین خصوصیاتش درک مسئولیت اجتماعی است. وی دریافت که محیط اجتماعی‌اش بیمار است و نادانی و فقر بر آن غالب گشته است و همچنین دریافت که جامعه‌اش درگیر سیاست‌های استعماری و نیروهای متحجر و واپس‌گرایی است که در مقابل استعمار سر تسلیم فرود آورده است. او کوشید تا ضمایر و درون مردم را با گفتگوها و کنفرانس‌ها و ایجاد سالن‌های همایش و انتشار کلمه مسئولیت، بیدار گرداند. او مرد شمشیر و مرد سیاست نبود تا بخواهد دنیای تونس را تغییر دهد اما مرد عاقل و دلسوزی بود که حقیقت را در نظر گرفت و مردی انقلابی بود که برای آزادی و کرامت با سرودن اشعارش قیام کرد و بیت‌ها و وزن‌های شعرش را با تار و پود جان‌ش آمیخت تا مردم را از نیروی ایمان، صدق و درستی وجدانش آگاه گرداند (الفخوری، ۱۹۸۶: ۵۶۰-۵۵۹).

تحلیل قصیده «إرادة الحياة»

قصیده «إرادة الحياة» از مشهورترین شعرهای شابی می‌باشد. این قصیده حاوی ابیاتی بسیار شیرین و زیبا می‌باشد که شابی در آن تصویرها و تصوراتش را همراه با نگرش سیاسی خود به نمایش می‌گذارد. از آن جایی که این قصیده سرشار از روح انقلابی و میهن دوستی می‌باشد و با زبانی ساده و زیبا و با بافتی محکم و کوبنده سروده شده است، دولت تونس پس از آن که در سال ۱۹۵۶ از چنگال استعمار فرانسه آزاد گشت، دو بیت آغازین قصیده را در سرود ملی تونس گنجاند.

این قصیده که از اشعار سیاسی و اجتماعی شاعر به شمار می‌رود سرشار از نیرو و قدرت است و شابی با سرودن این قصیده قصد برانگیختن ملت و ایجاد رستاخیز در میان آن‌ها را دارد. او با سرودن آن می‌خواهد روح جدیدی را در کالبد خسته‌ی ملتی بدمد و با نفس مسیحایی خویش، آرزوهای مرده را دوباره زنده کند. شابی در این شعر به اوج میهن‌سرای انقلابی خود می‌رسد.

مطلع قصیده که بر سر همه زبان‌ها جاری می‌گردد این دو بیت می‌باشد:

إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ فَلَا بُدَّ أَنْ يَسْتَجِيبَ الْقَدَرُ
وَلَا بُدَّ لِلَّيْلِ أَنْ يَنْجَلِيَ وَلَا بُدَّ لِلْقَيْدِ أَنْ يَنْكَسِرَ

(شابی، ۱۹۹۴: ۹).

(آن‌گاه که ملتی زندگی را بخواهد، ناگزیر، سرنوشت خواسته‌ی آنان را استجابت می‌کند. و باید شب (ظلم) به روشنی گراید و باید زنجیرهاست که در هم شکنند).

شابی در دو بیت آغازین قصیده اراده و خواست مردم را نافذتر از قدر می‌داند و معتقد است اگر ملتی آزادی و کرامت را طلب کند هیچ چیز مانع از عزم و اراده‌ی آنان نخواهد شد و حتی قضا و قدر الهی نیز در مقابل خواست آن‌ها خضوع می‌کند. وی در ادامه مردم را به پویایی و شوق به زندگی فرا می‌خواند و انسان‌های دلمرده را سرزنش می‌کند و بر این باور است که انسان‌های بی‌حرکتی که برای آزادی و کرامت قدم بر نمی‌دارند در فضای زندگی نابود می‌شده و در عدم ناپدید می‌گردند:

وَمَنْ لَمْ يُعَانِقْهُ شَوْقُ الْحَيَاةِ تَبَخَّرَ فِي جَوْهَا وَانْدَثَرَ

(همان).

(هر آن که عشق به زندگی او را در برنگیرد، در حجم زندگی محو و نابود گردد).

شابی سپس بیان می‌کند که تمامی کائنات دارای روحی متعالی می‌باشند؛ روحی که به دور دست‌ها چشم می‌دوزد و در برابر خطرها و موانع تسلیم نمی‌گردد و از ترس و پروا پیشگی بیزار است. وی مردم را به دو دسته تقسیم می‌کند: یا آنکه خواستار آزادی و سرافرازی هستند، که در این صورت قضا و قدر تسلیم آن‌ها می‌گردد، و یا انسان‌های راکدی که خواستار سرافرازی نیستند و همیشه در گودال‌های پستی و خواری خواهند ماند:

وَمَنْ لَا يُحِبُّ صُعودَ الْجِبَالِ يَعِشُ أَبَدَ الدَّهْرِ بَيْنَ الْحُفَرِ

(همان).

(هر آن که دوستدار آن نباشد تا کوه‌های عزت و کرامت را فراز آید، همواره در گودال‌های پستی و حقارت خواهد ماند).

از چنین انسان‌هایی حتی زمین نیز بیزار است و آن‌ها را نفرین می‌کند. چنین انسان‌هایی مرده هستند و هیچ‌گاه افق و دور دست‌ها، انسان‌های مرده را در دامن نمی‌گیرد.

شابی در ادامه اشعارش بر یاس و ناامیدی می‌شورد و آن را مرگ حقیقی می‌داند، و مردم را به سوی امید فرا می‌خواند و به آن‌ها نوید پیروزی می‌دهد. وی تاریکی را مورد خطاب قرار می‌دهد و از آن می‌پرسد: آیا زندگی دوباره به پژمرده‌ها، عمر هدیه می‌دهد؟ تاریکی ساکت می‌ماند و جنگل با تمام مهربانی به او پاسخ می‌دهد و می‌گوید: پس از آن که همه چیز پژمرده و خشک گشت و پس از آن که تمامی امیدها از بین رفت و یاس و ناامیدی چیره گشت، رستاخیز و بهاری دیگر برپا خواهد شد و مردگان جانی دیگر خواهند یافت و آن همان پیروزی بزرگ است.

در نهایت شابی برای تأثیرگذاری و تأکید بیشتر، قصیده‌اش را با تکرار معنای بیت نخست به پایان می‌رساند و تأکید می‌کند که روح‌های خیره در افق، مشت درشت روزگارند.

إِذَا طَمَحَتِ لِلْحَيَاةِ النَّفُوسُ فَلَا بُدَّ أَنْ يَسْتَجِيبَ الْقَدَرُ

(همان: ۹۴)

(آن‌گاه که روح‌ها به دور دست‌ها خیره شوند، ناگزیر، سرنوشت خواسته‌ی آنان را استجابت می‌کند).

بازتاب شعر «اراده‌ی الحیاء» در انقلاب تونس

هرچند پایه و اساس هر انقلابی را اندیشه‌ها تشکیل می‌دهند، اما تا دل‌های ملت‌ها آکنده از شور و حماسه نباشد هیچ اندیشه‌ای بارور نخواهد شد و هیچ قیام و رستاخیزی بر تارک کشورها نقش نخواهد بست. بدین سبب همواره قیام‌های مردمی نیازمند شور و حماسه بوده و همیشه این شاعران بوده‌اند که احساسات مردم را تلنگر می‌زدند و مردم را از باده احساسات خویش سرخوش می‌کرده‌اند. گاه شعر شاعران از این نیز فراتر می‌رفت و حتی اندیشه‌های انقلاب را هم سامان می‌داد و خود زمام رهبری فکری را به دست می‌گرفت. قصیده «اراده‌ی الحیاء» شابی نیز از این گونه اشعار به شمار می‌آید؛ چرا که علاوه بر آن که دریایی مواج از احساسات و شور و حماسه می‌باشد، دربرگیرنده

اندیشه‌هایی رفیع است که می‌توان در قیام‌ها به آن اقتدا جست. به کارگیری این قصیده در انقلاب اخیر تونس بسیار مشهود و آشکار می‌باشد.

ابراهیم درغوثی، داستان‌نویس، روایتگر و مترجم تونس می‌گوید: «بر بیشتر انقلاب‌هایی که در زمان گذشته در جهان رخ داده و از زمان انقلاب کبیر فرانسه و تا انقلاب‌های کنونی که برای در هم شکستن رژیم‌های فاسد در جامعه عربی ما به وقوع پیوسته، انقلابی در فرهنگ و ادبیات مقدم بوده است که از قدیم به نام انقلاب‌های روشنگر اندیشه‌ها شناخته شده است و همچنان این نام‌گذاری بار معنایی خویش را بر دوش می‌کشد. چرا که بدون روشن ساختن اندیشه‌ها جامعه اصلاح نمی‌گردد. و بسیار سودمند است که در این جا از قصیده پر آوازه و هیاهویی نام برد که از حنجره آن شاعر جوانی برخاسته است که تا دهه ۳۰ قرن گذشته در تونس زیست؛ منظوم همان ابوالقاسم شابی می‌باشد. او ملت تونس‌اش را به قیام و شورش علیه استعماری بر انگیزت که گردن‌های آن‌ها را افکنده و دهان‌هایشان را بسته و آن‌ها را نسل به نسل به بردگی گرفته بود» (درغوثی، ۲۰۱۱: ۱۷). در اینجا درغوثی نیز به این نکته اشاره دارد که زمینه‌ساز انقلاب سیاسی، فرهنگی و ادبی می‌باشد. وی از شعر شابی یاد می‌کند که چگونه توانسته است روح ملت خویش را به خروش بیاورد. در مورد تأثیر بسیار فراوان شعر شابی در انقلاب تونس، ما تنها به گفته درغوسی اکتفا نمی‌کنیم، بلکه شواهد و گواه‌های بسیاری وجود دارند که ما در ذیل به ذکر گزیده‌هایی از آن‌ها می‌پردازیم.

در جای دیگر ابوشاور می‌گوید: از تونس دو نام با هم درخشیدند، و عصر عربی جدیدی را گشودند: محمد بوعزیزی که آتش گرفت و همه جا را روشنایی بخشید و دیگری شابی صاحب دیوان شعر بی‌نظیر (ترانه‌های زندگی) ...

انتفاضه‌گرهای انقلابی تونس در شهرهای تونس، از شهر «سیدی بوزید» که زادگاه بوعزیزی می‌باشد راه افتادند و سرود «إذا الشعب يوماً ...» را سر دادند (ابوشاور، ۲۰۱۱). در اینجا ابوشاور محمد بوعزیزی را جرقه‌زن انقلاب و شابی را آتش افروز آن می‌داند

در جای دیگری یک نویسنده پای را از حد فراتر گذاشته و لحظات انقلاب را آن گونه ترسیم می‌کند که گویی انقلاب تنها و تنها متأثر از شعر شابی است. وی می‌نویسد: بر اثر سرود جوان درگذشته تونس (ابوالقاسم شابی)، «انقلاب یاسمین» تونس تحت شعار «ملت خواستار براندازی نظام است» به راه افتاد، تا دژ محکم جور و ستم را ویران سازد و دیکتاتور اشرافی را به بیابانگرد و آواره‌ای مبدل سازد که زمین جایی برای او ندارد و ناچار است آسمان‌ها را بپیماید تا مگر جای امنی بیابد و از خشم ملتی که غضبش تا مدت‌های طولانی حاکم خواهد بود در امان باشد (جعفر، ۲۰۱۱).

پژوهشگر عربی زبان، عزالدین خطابی نیز در مصاحبه‌ای که با سایت «الاتحاد» داشته است اشاره می‌کند که: «انقلاب تونس با قصیده «ارادة الحياة» ابوالقاسم شابی آغاز گشت، و تاچه اندازه می‌توان گفت که همواره شعر در دیوان عرب تأثیر گذار است؟ همواره و همچنان شعر، بیانگر درون ملت‌ها بوده و می‌باشد و همانطور که هایدگر می‌گوید شاعر کسی است که آینده را به تصویر می‌کشد و ماهیت شعر در پیشگویی از زمان آینده تاریخی نمایانگر می‌شود» (خطابی، ۲۰۱۱ ب).

همچنین دکتر عمر الخزراوی نیز شعر «ارادة الحياة» شابی را مشوق انقلاب تونس می‌داند و می‌گوید: «در این روزها مشاهده نموده‌ایم که چگونه مردم پیر و کوچک در کنار هم دیگر بر صحنه تلویزیون‌ها در قیام‌شان علیه ظلم و ستم، این سرود شیرین را تکرار می‌کنند؛ سرودی که در جان‌ها عزم و انگیزه را برمی‌انگیزاند و آن‌ها را بی هیچ شک و تردیدی با گلوله‌ها روبرو می‌گرداند» (الخزراوی، ۲۰۱۱). در اینجا الخزراوی بسیار واقع‌بینانه به مساله می‌نگرد و انقلاب تونس را تنها مدیون شعر شابی نمی‌داند، بلکه شعر شابی را در برانگیختن عزم و شور مردم مؤثر می‌داند و این به اعتدال بسیار نزدیک است.

آری، قصیده شابی چنان در جان و باور مردم تونس نفوذ کرده بود و چنان آنان را به شور و هیجان می‌آورد که اغلب سخنوران و مقاله نویسان انقلابی برای آغاز کلام و مقاله خود از آن بهره می‌جستند. به عنوان مثال، سایت «الحسن» برای بیان اوضاع روزهای شورش مردم و برای اینکه قیام آن‌ها را سودمند و نتیجه بخش معرفی کند، تیتتر مقاله‌اش را با بیت آغازین «ارادة الحياة» شروع می‌کند:

«إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ ... ثَوْرَةُ تُونِسْ»

(آن گاه که ملتی زندگی را خواست کند ... انقلاب تونس)

و پس از آن به شرح و توصیف روزهای انقلاب تونس می‌پردازد و می‌گوید: «تونس در این روزها لحظات سختی را می‌گذارند که مرحله انتقالی را تشکیل می‌دهد. و تاریخ ارزشمندی را رقم می‌زند که مدت‌هاست بر این منطقه نگذشته است» (خطابی، ۲۰۱۱ الف).

دکتر عبدالکریم علیش پزشک و پژوهشگر علمی تونس- آمریکا نیز، راز پیروزی تونس را در شعر شابی و قدرت خارق‌العاده و حیرت انگیزش می‌داند. وی قیام مردم تونس را قبل از هرچیز مدیون شعر عربی می‌داند. همچنین علیش شعر شابی را معلقه‌ای (اشعار برگزیده زمان جاهلیت که از دیواره‌های کعبه می‌آویختند) می‌داند که شایسته‌ی آن است که از دیواره‌های کعبه آویخته شوند. علیش در ادامه می‌گوید: «بسیاری از ناظران انقلاب تونس می‌گویند که انقلاب تونس هیچ رهبری ندارد تا بتواند برای آنان سخن بگویند. البته این که انقلاب تونس هیچ متفکر و اندیشمندی ندارد، صحیح نیست. اندیشمند و متفکر انقلاب تونس ابوالقاسم شابی می‌باشد. شعر شابی رمز و راز و زبان حال

انقلاب تونس است. ملت تونس بسیار نیازمند شعر و نمایش‌نامه و ادبیات و فلسفه‌ای جدید هستند» (علیش، ۲۰۱۱). توصیف دکتر علیش را شاید بتوان بهترین تعبیری دانست که تا به حال در مورد شعر شابی بیان شده است. وی شعر شابی را تنها یک شعر حماسی نمی‌داند بلکه آن را اندیشه‌ای می‌داند که فراروی ملت تونس است و فلسفه‌ای می‌داند که راهگشای آزادی و آزادی، عزت و سربلندی است. آری، شعر شابی به مردم می‌آموزد که عزت و آزادی خواستنی است و هر آنکه در رنج راههای زندگی آن را نطلبد همواره در گودال‌های پستی خواهد ماند و چنین کسی ارزش یک زندگی با عزت را ندارد.

سایت «الوطن آنلاین» نیز ذکر می‌کند: «حوادثی که تونس در حال حاضر شاهد آن است رابطه بسیار محکم میان ادبیات و به خصوص شعر با قیام ملت‌ها می‌باشد، به ویژه ملت‌های حساس چون عرب‌ها چه کسی باور می‌کند که بیت قصیده‌ای که در سرود ملی به کار برده می‌شود، دیروز طبق آمار گوگل با سرعت جستجویی که از ربع ثانیه تجاوز نمی‌کند، ۸۰۰ بار به کار برده شود. و منظور از آن بیت، بیت زیبای آغازین شعر شاعر بدیع‌گوی کم سن و سال تونسی، ابوالقاسم شابی می‌باشد» (آل عامر، ۲۰۱۱). در اینجا می‌بینیم که این سایت هم به رابطه قوی ادبیات و انقلاب اذعان دارد و شعر ارادة الحیة شابی را نمونه بارز آن می‌داند. اما سخنی که در اینجا بسیار لطیف و زیبا جلوه می‌نماید اشاره به احساسات و ادب‌دوستی عرب‌ها می‌باشد و البته این ادب‌دوستی تایخچه‌ای دیرینه و ریشه در زمان جاهلیت و قبل از ظهور اسلام دارد.

نتیجه گیری

همان طور که اشاره شد همواره سیاست مدیون ادبیات است. هیچ گاه تاریخ سیاسی سرزمینی تغییر نمی کند مگر آن که ادبیات به ویژه شعر پیش از آن متحول شده باشد. همواره شعر و ادب در لحظات حساس و تاریخی محرک و امیدبخش ملت ها بوده است. و ما در این پژوهش بر این مطلب واقف گشتیم که چگونه شعر پر آوازه «ارادة الحیاء» از شاعر نامی تونس، ابوالقاسم شابی، عزم و اراده آن ها را تقویت کرده و در لحظه لحظه های انقلاب، یار و همدم مردم تونس بود و قشنگ ترین آینده ها را در افق دیدگان شان ترسیم نمود. این است راز پیوند ادب و سیاست.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب:

- قرآن کریم.
- الفاخوری، حنا، (۱۹۸۶)، **الجامع فی التاريخ الادب العربی**؛ الادب الحديث، بیروت، دارالجليل.
- جیوسی، سلمی الخضراء، (۲۰۰۱)، **الاتجاهات و الحركات فی الشعر العربی الحديث**، ترجمه عبدالواحد لؤلؤة، بیروت، مرکز دراسات الوحدة العربیه، ط ۱.
- حمدوالقدس، فؤاد، (بی تا)، **تاریخ الادباء العربیه**، حلب، دارالقلم العربی.
- خورشاء، صادق، (۱۳۸۱)، **مجانى الشعر العربی الحديث**، تهران، سمت، چاپ اول.
- ساکت، محمد حسین، (۱۳۸۵)، **ماهتاب شام شرق**، میراث مکتوت، چاپ اول.
- شابی، ابوالقاسم، (۱۹۹۴)، **دیوان ابی القاسم الشابی و رسائله**، با مقدمه و شرح مجید طراد، بیروت، دارالکتب العربی، ط ۲.
- شراره، عبداللطیف، (۱۹۶۵)، **الشابی**، بیروت، دار صادر.
- ضیف، شوقی، (بی تا)، **دراسات فی الشعر العربی المعاصر**؛ قاهره، دایره المعارف، ط ۵.
- طنوس، جان، (۲۰۰۱)، **ملاح الموت و الحیاء فی الشخصیته الشابی و شعره**، دمشق، دارالکتب العربی.
- فرهود، احمد عبدالله (۱۹۹۸)، **تاریخ شعراء العربیه**، حلب، دارالقلم العربی، ط ۱.

مقالات:

- درغوثی، ابراهیم، (۲۰۱۱)، «الثورة التونسية: دور الأدب فی تحفیز و تجذیر الوعي الشعبی علی المستويين: القطری والقومی»، فلسطین، **مجله حق العوده**، العدد ۴۳، ص ۱۷.
- سیاله، حسن، (۱۳۵۳)، «فقید الأدب التونسي ابوالقاسم الشابی»، **الرساله**، العدد ۷۰.
- سیدی، سید حسین، (۱۳۸۵)، «شابی و رمانتیسیم»، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد**، شماره ۱۵۵، صص ۱۰۶-۹۳.
- قمری، عبدالستار، (۱۳۷۹)، «تحلیلی کوتاه بر اشعار انقلابی و اجتماعی ابوالقاسم الشابی»، **نشریه تبیان**، شماره ۳۹، صص ۴۶-۴۳.
- ماردینی، زهیر، (۱۹۸۲)، «ابوالقاسم الشابی»، **مجله العرفان**، العدد ۱۰-۹، مجلد ۷۰.
- ممتحن، مهدی، و دیگران، (۱۳۸۸) «نگرشی تطبیقی بر رویکردهای سیاسی در دیوان ابوالقاسم الشابی و کلیات اقبال لاهوری»، **فصلنامه ادبیات تطبیقی**، سال سوم شماره ۱۱، صص ۲۶۴-۲۵۳.
- ولایتی، محمد حسین، (۱۳۷۷/۵/۶)، «شابی؛ آموزه‌ای از درد، اندوه و نبوغ»، **نشریه سلام**.

پایان نامه:

- طملیه، فخری احمد حسن، (۱۹۷۴)، **پایان نامه کارشنای ارشد دانشگاه الازهر دانشکده زبان عربی - ادبیات و نقد**.

سایت:

- ابوشاور، رشاد، (۲۰۱۱)، **الشابی یولد من جدید**، برگرفته از سایت:
<http://www.arabs48.commod=articles&ID=80760.mht>, ۲۰۱۱/۰۴/۲۶
- احمدیان، حسن، (۱۳۹۰)، **انقلاب تونس؛ زمینه‌ها و پیامدها** برگرفته از سایت
<http://www.isrjournals.ir/fa/essay/168-essay-farsi35.html>
- الخذراوی، عمر، (۲۰۱۱)، **شعر أبو القاسم الشابی و دوره فی ثورة الشعب فی تونس**، برگرفته از سایت:
http://www.libya_alyoum.comnewsindex.php?id=2&catid=14&page=24.mht, ۲۰۱۱/۱/۲۶
- آل عامر، حسن، (۲۰۱۱)، **ثورة تونس تعید الشابی ۸۰۰ مرة فی کل ربع ثانیة**، برگرفته از سایت:
<http://www.alwatan.com.sa culture news- detail.asf>, 2011/1/18.
- جعفر، احمد (۲۰۱۱)، **الشعب یرید إسقاط النظام**، برگرفته از سایت:
<http://www.yasour.orgnews.phpgo=fullnews&newsid=17344.mht>, ۲۰۱۱/۰۳/۱۵
- خطابی، عزالدین، (۲۰۱۱ الف)، **الشعب یوما اراد الحیاء... ثورة تونس**، برگرفته از سایت:
<http://bafree.netalhisnshowt>

- خطابی، عزالدین، (۲۰۱۱)، *أصوات المثقفين ظلت عموما خافتة إزاء الحراك الديموقراطي العربي إن لم نقل متواطئة*، برگرفته از سایت:

http://www.alittihad.press.madef.asp?code=29&id_info=131491.mht

- علیش، عبدالکریم، (۲۰۱۱)، *تأملات في الثورة التونسية*، برگرفته از سایت:

http://www.iraqipa.net2_201121-28a9_22feb2011.htm.htm

- هانی زاده، حسن، (۱۳۸۹)، *تونس و تحقق پیشگوئی یک شاعر*، برگرفته از سایت:

<http://www.presstv.ir/detail/fa/160260.html> ۱۳۸۹ / ۱۰ / ۲۵